

کُناه
<div>سجاده‌آذری</div>

در طول تاریخ معاصر، همیشه کسانی بوده‌اند که به امید سرنگونی نظام حاکم، دست یاری به سوی دشمنان خارجی کشور خود دراز کرده‌اند.این افراد همیشه تصور می‌کردند چتر نجات نیروهای بیگانه، آنها را به اهدافشان خواهد رساند و زندگی راحت‌تری را برای آنها رقم خواهد زد،اما بارها تاریخ نشان داده که این افراد تنها تسهیلمگران نابودی کشور خود هستند و این چتر یا بسته می‌ماند یا آنها را در سست در میانسه میدان نبرد می‌ها می‌کند و بر زمین می‌کوبد، تجربه تاریخی که متأسفانه در مورد وطن ما نیز اتفاق افتاد.

■ ■ ■

امروز بعداز گذشت حدود ۴۰ روز از آغاز جنگ و در شرایطی که دشمن صهیونیستی و امریکایی به دلیل ناتوانی در پیروزی در برابر اراده ملت ایران مجبور به پذیرش شروط ایران و قبول آتش بس شده‌است، دیگر نه‌تنها وطن‌فروشان جنگ‌طلب، بلکه رسانه‌های آنها نیز در بهت فرورفته‌اند و احساس می‌کنند دشمن به این وطن‌فروشان نیز خیانت کرده‌است،البته بسیاری از آنها پس از حمله دشمن به زیرساخت‌های کشور از بهداشتی نیز تمام شعارهای خود را در مورد آزادی ایران پس از تهاجم دشمن و عدم حمله آنها به مردم عادی و زیرساخت‌ها،نقش بر آب می‌دیدند، تلاشی کردند با طرح این موارد که ما عاملیتی در این تجاوز نداشتیم، طرح جنگ از قبل ریخته شده‌بود و تنها قربانی سیاست‌های قدرت‌ها بودیم با عدم پذیرش اشتباه به نوعی فرار به جلو انجام داده از مسئولیت این ویرانی‌ها شانه خالی‌کنند.امروز نه‌تنها شورشیان و رسانه‌های تروریستی، حتی خود پهلوی نیز که تا پیش از این برای حمله به ایران به پای امریکا و صهیونیست‌ها افتاده‌بود، تلاش دارد خود را از مسئولیت این جنایات نجات دهد، آن هم در حالی که همین افراد در ابتدا این جنگ را یک مداخله بشردوستانه می‌نمایندو خواهان بمباران کشور بودند. حتی تلویزیون اینترنتشال نیز که ۲۴ ساعته می‌به جنگ را «عملیات امریکا و اسرائیل در حمایت از مردم ایران» می‌نامید،امروز تلاش دارد خود را مخالف جنگ نشان دهد. سؤالی که اکنون وجود دارد، این است که دعوت افرادی از جامعه یک کشور چقدر می‌تواند عامل تعیین‌کننده‌ای برای تجاوز نیروهای خارجی به آن کشور باشد.

■ **سنگ‌بنای آغاز جنگ**

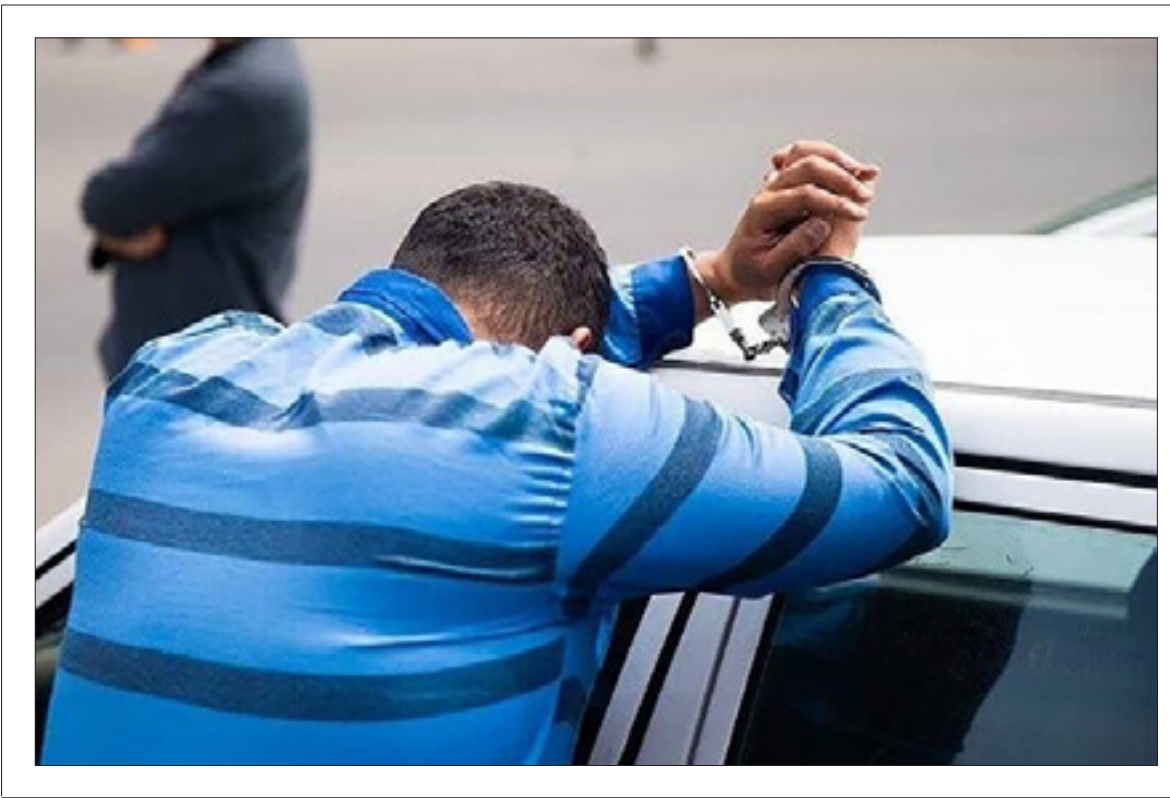
پیش از برداختن به میزان واقعی تأثیر اقدامات جنگ‌طلبان در حمله امریکا و رژیم اشغالگر قدس به ایران باید میزان امید دشمن به حضور بخشی از جامعه را در دست‌های او مورد بررسی قرار دهیم و همین منظور به کمی قبل‌تر یعنی یک خرداد سال ۱۳۸۸ برگردیم، جایی که عده‌ای به قول رهبر شهید انقلاب شایع به اعتماد نظام و مردم خیانت کردند و با طرح شایع‌سازی «انتخابات سسنگ‌بنای بی‌اعتمادی بین بخشی قابل-توجهی از مردم و نظام را گذاشتند، همین خیانت موجب شد دشمنی که تا روز قبل از انتخابات به دلیل اطمینان از سیاست استوار جمهوری اسلامی ایران در میان مردم دست‌دوستی به سمت ایران دراز کرده‌بود، بار دیگر هی‌های همه‌جانبه را در پیش گیرد و تلاش کند تا جای ممکن زندگی بر ایران سخت شود، تا

کزارش
<div>مساکر بندی</div>

«جوان» در گزارشی به بررسی تأثیر تاریخی وطن‌فروشان در آغاز جنگ علیه ایران و سرنوشت آنها پرداخته‌است

وطن‌فروشان، هیچ‌گاه و هیچ‌کجا وطن‌دار نمی‌شوند

«جوان» در گزارشی به بررسی تأثیر تاریخی وطن‌فروشان در آغاز جنگ علیه ایران و سرنوشت آنها پرداخته‌است



فرار کرده‌بود. اکنون اما همین حمایت جنگ‌طلبان از حمله به ایران موجب شده‌بود تا ترامپ بهانه حمله به زیرساخت‌های کشور را بپام‌های ایرانیانی عنوان کند که از او می‌خواهند به اسم آزادی به بمباران ایران ادامه دهد.

■ **علت نهایی شرع جنگ**

اکنون بپردازیم به اینکه چقدر در خواست بخشی از دشمن در این سسال‌ها با افزایش فشارهای تحریمی طی سسال‌های گذشته موفق شدد در کنار برخی از سوءتدبیرهای مسئولان به شکل متناوب، شورش‌هایی را در سسال‌های گذشته در ایران رقم بزنند، هر چند کشور از هر کدام از این فتنه‌ها با درایت مردم و هدایت رهبر شهید انقلاب عبور کرد، اما این اتفاقات موجبات ریزش بخشی از جامعه ایرانی از نظام اسلامی را نیز در پی داشت. این روند نهایتاً به فتنه اخیر منجر شد که امروز رئیس‌جمهور تروریست ایالات‌متحده به راحتی اعتراف می‌کند برای آن برنامه‌ریزی قبلی انجام شده‌بود و تروریست‌های تجزیه‌طلب کرد همراه شورشیان داخلی برای آن توسط امریکا و صهیونیست‌ها مسلح شده‌بودند؛ موضوعی که به خوبی نشان می‌دهد به چه دلیل اعتراضات کنترل‌شده توسط بخشی از جامعه به وضع اقتصادی بعد از فراخوان پهلوی به بیکاره تبدیل به جنگ خیابانی شد و از میان مردمی که در خیابان‌ها شعار می‌دادند، اسلحه‌ها به سمت نیروهای انتظامی نشانه رفت.

این فتنه در حالی بود که از مدت‌ها پیش،رسانه‌های ضدانقلاب از لزوم حمله خارجی به ایران سخن می‌گفتند و همین شعار توسط عده‌ای از آشوبگران لحظه‌ای که تصمیم‌گیرنده مردد بین حمله به ایران یا عدم دخالت است، همین فشارها می‌تواند که ترازو را به سمت جنگ سنگین کند. هر چند که سیاستمداران امریکایی و صهیونیستی از طریق رسانه‌های خود افراد را به این جمع‌بندی برسانند که این خودشان هستند که در حال التماس به خارجی‌ها برای حمله نظامی در

ایران هستند با این حال در سیاست خارجی، تصمیم‌ها در خلأگرفته نمی‌شوند و هیچ دولتی حتی ایالات‌متحده بدون فضاسازی اقدام به جنگ نمی‌کند و فضاسازی نیز توسط رسانه، لای‌ها و دقیقاً همین موج‌های اجتماعی ایجاد می‌شود.

در علوم سیاسی مفهومی به نام ساخت رضایت عمومی وجود دارد که به معنای این است که قبل از هر جنگ، باید افکار عمومی قانع شود که این جنگ لازم و مشروع است. حال وقتی هزاران ایمیل به کنگره، سنا و بسیاری از مقام‌های سیاسی و همه رسانه‌ها در امریکا و اروپا فرستاده می‌شود، مدام توئیبت ActNow زده می‌شود و روایت حمله تها‌ها در است در رسانه‌های خارجی توسط غربی‌های خارج‌نشین (دیاسپورا) ساخته می‌شود، اینها دقیقاًآزار ساخت همان رضایت‌هندستداتفاقی که نه‌تنها در جنگ اخیر بلکه در حمله به عراق سال ۲۰۰۳ و لیبی سال ۲۰۱۱ افتاد و چنین پیش‌زمینه‌ای ایجاد و بعد حمله شد. پس این رفتار جنگ‌طلبان عملاً علت نهایی شروع جنگ است، یعنی هر چند ممکن است این افراد خود ماشه را کشیده‌باشند،اما شرایطی را ایجاد کردند که کشیده‌شدن ماشه نه‌تنها محتمل‌تر و مشروع‌تر، بلکه حتمی شد و عملاً هزینه سیاسی جنگ را نیز برای ترامپ و نتانیاهو پایین‌تر آوردند.

■ **همراهی داخلی برای کاهش هز بنه‌های تهاجم**
همانگونه که گفته شد، یکی از توجیهاتی که جنگ‌طلبان برای شلانه خالی کردن از همراهی بسا جنایات امریکا و صهیونیست‌ها در کشور ارائه می‌کنند،این مسئله است که طرح جنگ در پیش از این ریخته شده‌بود و عملاً آنها عاملیتی در شروع آن نداشتند، فارغ از اینکه نشان داده شد آنها علت نهایی شروع جنگ بودند، نخستین

متحدان خارجی پشتیبان‌شان را از دست داده‌اند و پس از آن افسردگی عمیق است، بی‌خوابی، بی‌اشتهایی، کناره‌گیری اجتماعی و افکار خودکشی در این افراد شایع می‌شود. در مرحله بعد به خشم معطوف به بیرون و درون می‌رسند، از نیروهای خارجی متنفر می‌شوند و گاهی به مقاومت مسلحانه می‌پیوندند و هم از خود و همفکران سابق خود بیزار می‌می‌جویند و در نهایت برای تغییر هویت تلاش خواهند کرد؛ برخی سعی می‌کنند خود را قربانی فریب معرفی‌کنند و برخی دیگر در پنهان‌کاری و انزوا اجتماعی به زندگی ادامه می‌دهند.

یکی از مصادیق شناسخته شده این قبیل افراد حامد کرزای است، او در سال ۲۰۰۱ با حمایت مستقیم امریکا به عنوان رئیس‌جمهور موقت افغانستان منصوب شد و قرار بود نماد دموکراسی جدید در کابل باشد، اما تا سال ۲۰۰۹، رابطه کاخ سفید و کاخ کرزای به سمت طلاق تلخ پیش رفت. کرزای آشکارا اعلام کرد که امریکا مانند یک اشغالگر عمل می‌کند.او حتی تهدید کرد که ممکن است به طالبان بپیوندد و گفت عملیات سنگین امریکا و ناتو می‌تواند شورش را به یک مقاومت ملی تبدیل کند. سرنوشت کرزای نمونه کلاسیک کسی است که از متحد به قربانی تبدیل می‌شود، نه آن‌قدر قدرت دارد که خارجی‌ها را اخراج کند و نه آن‌قدر بی‌گناه است که از چرسب وطن‌فروش‌هایی بایست.

اما شاید دردناک‌ترین نمونه از مهره سوخته در تاریخ، ویتنام جنوبی باشد. در آوریل ۱۹۷۵، زمانی که نیروهای کمونیستی به سمت سایگون پیشروی می‌کردند، جرال فورد، رئیس‌جمهور امریکا اعلام کرد که برای امریکا، جنگ ویتنام پایان یافته و تنها چند روز بعد، نگوین ون تیئو، رئیس‌جمهور ویتنام جنوبی که یک دهه تمام با حمایت امریکا‌گنجدیده‌بود، مجبور به استعفا و فرار شد. هزاران تن از نظامیان و مقامات وابسته به امریکا در سایگون رها شدند. بسیاری از آنها به زندان افتادند یا به اردوگاه‌های بازآموزی فرستاده‌شدند و آنهایی که ویتنام را ترک کردند، در کشورهای غربی با عنوان همکار رژیم سابق حاشیه‌نشین شدند.

■ **حرف آخر**

تاریخ با صدای بلند به ما می‌گوید همراهی با دشمن خارجی، هر چند گاه محاسبات نظامی را تغییر می‌دهد و گاه لای‌گری تبعیدی‌ها، توجیه یک جنگ را فراهم می‌کند، اما هرگز سرنوشت خوشی برای وطن‌فروشان رقم نمی‌زند و البته نتیجه شیمیانی از همراهی با بیگانه هم اغلب دیر هنگام رخ می‌دهد، ا‌انقدر دیر که هزینه آن نه‌تنها زندگی خود فرد، بلکه حیثیت اجتماعی نشان می‌دهد خیانت از نسوی متحدان مورد اعتماد، عمیق‌ترین زخم‌های روانی را ایجاد می‌کند؛ زخم‌هایی که حتی پس از پایان جنگ نیز التیام نمی‌یابند و این افراد همواره توسط مردم منغور هستند. شاید بزرگ‌ترین فریب در سیاست این باشد که فردی تصور کند نیروهای خارجی برای آزادی فردی می‌آیند. تاریخ نشان داده اینها برای منافع خود می‌آیند، از افراد استفاده می‌کنند و سپس به تعبیر تلخ کاربران شبکه‌های اجتماعی عراق درباره چلبلی آنها را نف می‌کنند و دور می‌اندازند. با همه اینها پشیمانی، زمانی که توپ‌ها شلیک‌شوند و خیابان‌ها پر از خون شده، نه‌تنها دیر است، بلکه درمان‌ناپذیر نیز است.

یادداشت
<div>دست پرتر دیپلماسی بافتوحات میدان</div>

■ **محمدصادق فقفوری**

روایت فتح میدان در جنگ تحمیلی سووم، یک نتیجه بلافصل برای دیپلماسی ایران هم دارد؛ دست پرتر از همیشه در مذاکرات.

حالا دیگر مذاکره کنندگان ایرانی به پشت‌وانه دستاورد‌های خیره‌کننده ایران در میدان، می‌توانند سقف خواسته‌های خودشان را از دشمنان امریکایی - صهیونی مطالبه کنند. پذیرش رژیم جدید حقوقی در تنگ هرمز، یکی از این مطالبات است. این سرحداتی، نتیجه مقاومت و فتح میدان و خیابان است. حالا بهتر از هر زمان دیگری سخن گهربار رهبر شهید فهمی می‌شود که هزینه مقاومت کمتر از هزینه سازش است. دشمنی که در مذاکره زیاده‌گویی می‌کرد، اکنون که در میدان شکست خورده‌است، ناگزیر است به حقوق ملت ایران تعظیم کند.

حراست از این دستاورد و نهایی کردن آن البته کاری دشوار است. مذاکره کنندگان ایرانی باید با همه وجود، حقوق ملت ایران را از دشمنان ایران مطالبه کنند. سازش بر سر حداقل‌ها، خیانتی تاریخی و نابخشوندی است؛ خیانت به خون پاک امام شهید و کودکان معصوم میناب و همه شهدای راه مقاومت.

فصل جدید ایران، مقتدرانه‌تر از همه فصل‌های دیگر ورق خورده است. این اقتدار بر عزت ایران هم افزوده است. بگومگوهای داخلی آفت این اقتدار و عزت است. ما همچنان یک دشمن مشترک داریم: اصحاب پدوفیلی و کودکان امریکایی - صهیونی. همه فریادها و قوت‌ها باید صرف این دشمن مشترک شود.

قوه عاقله نظام اسلامی ثابت کرده‌است کاربلد میدان است. فتوحات میدانی، اکنون در اختیار دیپلماسی است. ان‌شاءالله مذاکره کنندگان ما به نحو احسن از این فتوحات بهره‌برداری خواهند کرد و شیرینی پیروزی در میدان را کامل‌تر می‌کنند.

قاعده در تحلیل نظامی این است که هر قدر پایگاه اجتماعی و سیاسی حامی مهاجم در داخل کشور هدف گسترده‌تر باشد، هزینه‌های نظامی، اطلاعاتی و لجستیک تهاجم کاهش و توجیه‌پذیری دیپلماتیک آن افزایش می‌یابد. به عبارت دقیق‌تر، همراهی داخلی مزیت‌های کلیدی مانند تأمین اطلاعات حیاتی، توجیه سیاسی و مشروعیت‌بخشی حمله، تأثیر روانی را بر ارتش مدافع و کاهش هزینه‌های پس از اشغال را به مهاجم می‌دهد.اما همراهی داخلی به تنهایی کافی نیست و حلقه گمشده، حمله لای‌گری افرادی از کشور تحت تهاجم در پایتخت کشور مهاجم است. این افراد با بهره‌گیری از شبکه‌های رسانه‌ای، احزاب سیاسی و نهادهای تصمیم‌گیرنده، فشار مضاعفی بر دولت میزبان برای حمله به کشور مبدأ وارد می‌کنند. این لای‌ها مشروعیت‌سازی حمله، ارائه اطلاعات دست اول از وضعیت سیاسی و نظامی و فشار سیاسی برای حرکت به سمت حمله را منجر می‌شوند، مانند کارکردی که احمد چلبلی در جنگ عراق سال ۲۰۰۳ داشت. او که یک ریاضیدان عراقی تبار تحصیلکرده در امریکا بود، که در زمان تبعید در لندن و واشینگتن، لای‌با گسترده‌ای برای سرنگونی صدام حسین به راه انداخت. او در سال ۱۹۹۸ موفق شد کنگره امریکا را به تصویب قانون آزادی عراق ترغیب کند که سرنگونی صدام را هدف رسمی سیاست خارجی امریکا اعلام کرد،اما مهم‌ترین نقش چلبلی در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر رقم خورد.او و شبکه‌اش اطلاعاتی جعلی از جمله ادعای وجود سلاح‌های کشتار جمعی و ارتباط صدام با القاعده را به دولت جرج بوش و نومحافظه‌کاران پنتاگون ارائه کر کردند. همین اطلاعات بود که حمله مارس ۲۰۰۳ را به عراق توجیه کرد. سازمان چلبلی میان سال‌های ۱۹۹۲ تا آغاز جنگ، بیش از ۱۰۰ میلیون دلار از سیا و سایر نهادهای امریکایی بودجه دریافت کرد. چلبلی خود بعدها با غرور گفت که اعضای سازمانش عراق مانایی در اشتباه بوده‌اند، اما قیمت این اشتباه را مردم چلبلی البته هرگز در قش و کسرت نرسید و تا پایان عمر با اتهامات فساد مالی و خیانت دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

■ **پشیمانی و فروپاشی روانی مهره‌های سوخته**

تلخ‌ترین بخش ماجرای وطن‌فروشی جایی‌رقم می‌خورد که وطن‌فروشان داخلی و خارج‌نشین متوجه می‌شوند نیروهای خارجی نه تنها آنها را آزاد نمی‌کنند، بلکه خود نیز هدف گلوله‌ها و بمب‌های همان نیروها قرار می‌گیرند. عراق با صد‌ها هزار کشته و یک دهه هرج‌ومرج دراخته‌اند. چلبلی البته هرگز در قش و کسرت نرسید و تا پایان عمر با اتهامات فساد مالی و خیانت دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

تلخ‌ترین بخش ماجرای وطن‌فروشی جایی‌رقم می‌خورد که وطن‌فروشان داخلی و خارج‌نشین متوجه می‌شوند نیروهای خارجی نه تنها آنها را آزاد نمی‌کنند، بلکه خود نیز هدف گلوله‌ها و بمب‌های همان نیروها قرار می‌گیرند. عراق با صد‌ها هزار کشته و یک دهه هرج‌ومرج دراخته‌اند. چلبلی البته هرگز در قش و کسرت نرسید و تا پایان عمر با اتهامات فساد مالی و خیانت دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

■ **مهرای داخلی برای کاهش هز بنه‌های تهاجم**
همانگونه که گفته شد، یکی از توجیهاتی که جنگ‌طلبان برای شلانه خالی کردن از همراهی بسا جنایات امریکا و صهیونیست‌ها در کشور ارائه می‌کنند،این مسئله است که طرح جنگ در پیش از این ریخته شده‌بود و عملاً آنها عاملیتی در شروع آن نداشتند، فارغ از اینکه نشان داده شد آنها علت نهایی شروع جنگ بودند، نخستین

من بچه بودم. به شب داشتم تو میدون اصلی شهر پرچم می‌چرخوندم که…»

یکی دیگر از کاربران تصویر ببرزنی سالخورده را منتشر کرد که با وجود خمیده راه رفتن و سختی حضور در خیابان، حضور داشت و به اندازه سهم خود، میدان‌داری می‌کرد. او در توضیح این عکس نوشت: «کم‌رش خم شده، توان زیادی هم نداره، اما اوامده تا صحنه خالی نباشه میگه زور ندارم اما مشت که دارم…»

در میان این تصاویر و روایات، تکه فیلمی منتشر شد که دست به دست چرخید و بازدید زیادی داشت. فیلم از خانمی همراه با نوزاد شیرخوار‌هاش در کر بزر، منتشر کننده این فیلم درباره‌هاش نوشت: «با یک دست گهواره را تکان می‌داه، و با دست دیگر، دنیا را…»

پس از موشک‌باران و تخریب ساختمان دانشگاه شریف نیز، تصویر متفاوتی از آن منتشر شد که ناخودآگاه حس وطن‌دوستی و مقاومت را در دل‌ها زنده می‌کرد. عکس یکی از اساتید که کلاس مجازی را در ویرانه‌های دانشگاه بر گزار کرد. کاربسی‌در توضیح این عکس نوشت:

«تمیشه این مردم رو ما هیچ بمب و موشکی شکست داد. استاد دانشگاه شریف اومده تو خرابه‌های دانشگاه با کلاه ایمنی داره دره تدریس آنلاین رو ادامه میده»

یکی از کانال‌های ای‌تای نیز تصویری را منتشر کرد که آگاهی و شهامت نسل جدید را به روشنی نشان می‌داد. تصویر پسر نوجوانی که در صف نماز ایستاده و دو عصا هم کنارش بود. این کانال درباره‌هاش نوشت: «این آقاپسر با پای شکسته‌اش، هر شب به تو جمع‌ات شرکت می‌کنه و ایستاده نماز می‌کنه. ذماتر به امام زمان می‌خونه. پسرک مرد شیرمرد دهه نودی.»

همچنین تصویری از یک آرایشگر در همین کانال منتشر شد که در توضیحش آمده بود: «عباس، ۲۵



محمدصهیونی

جوان

■ **پرچی که دنیا را تکان داد**

در این ۴۰ شب حضور مردم در خیابان‌ها، تصاویر و فیلم‌هایی منتشر و روایاتی بیان شد که برای ایرانی‌ها افتخار آفرین است؛ تصاویری که خبر از آینده‌ای روشن می‌داد که مردم در آن نقش داشتند. زن و مرد، پسر و جوان، بزرگ و کوچک، همه حضور داشتند. برای کسی و نگاه سیاسی بغل دست‌اش مهم نبود، اینکه چه دین و مذهبی دارد یا چه فکر می‌کند، آنها فقط به ایران و حفاظت از آن فکر می‌کردند و بس. فاطمه کیایی با انتشار فیلمی از پسرپچه پرچم به دست، روایت حضور مردم در خیابان‌ها و میدانی اصلی شهر را این‌گونه نوشت: «مراسم تمام شده، مردم پراکنده. مداح لابد نشسته ترک موتور و در راه‌خانه است. مسئول صوت

حماسه‌آفرین و تاریخ‌ساز شوند.